

نقش قصه‌های شاهنامه در جامعه‌پذیری و هویت ملی کودکان

چکیده

میراث فرهنگی هر قوم و ملتی، شناسنامه حیات مادی و معنوی آن قوم به‌شمار می‌آید و شکل‌پذیری هویت در نهاد کودکان هر سرزمین، وابسته به آشنایی آن‌ها با هویت ملی و میراث فرهنگی کشورشان است. از آنجا که شاهنامه حکیم خردگرای توس جدا از اینکه حماسه‌ای جهانی محسوب می‌شود حافظه قومی ملت ایران نیز به‌شمار می‌آید، بایسته است بیش از هر اثر دیگری مورد عنایت مسئولان فرهنگی و نظام آموزشی ایران قرار گیرد. یکی از روش‌ها و فعالیت‌هایی که می‌توان به‌وسیله آن کودک را با هویت ملی، فرهنگ بومی، هنجارهای اجتماعی، روحیه میهن‌دوستی و حفظ و حراست از کیان و کشور آشنا نمود، روش قصه‌گویی است. بی‌شک قصه‌گویی کارآمدترین گفت‌ازاری است که می‌تواند به انتقال مفاهیم از هر دست و هر شکلی، مدد رساند.

کلیدواژه‌ها: کودک، شاهنامه، هویت ملی، جامعه‌پذیری، قصه

مقدمه

نظام آموزشی هر کشور، نقش مهمی در جامعه‌پذیر کردن و انتقال ارزش‌های دینی، ملی و فرهنگی به مردم آن کشور ایفا می‌کند. از این‌رو، نخستین چالشی که هر نظام آموزشی با آن روبه‌روست، جامعه‌پذیر بار آوردن افراد است؛ زیرا تا فرد جامعه‌پذیر نشود و هنجارهای اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی جامعه خود را رعایت نکند، نمی‌توان انتظار داشت که مصدر توسعه و سازندگی اجتماعی باشد. از طرف دیگر، بشر در رفتارهای اجتماعی‌اش، ابعاد انسانی خود را نمودار می‌سازد و می‌تواند به تکامل دست یابد. از این روی، یافتن راهکارهایی که بتوانند هویت ملی را استواری بخشند و فرد را برای ورود به اجتماع آماده سازند، از وظایف‌های بایسته آموزش‌وپرورش هر کشور است. چرا که شکل نگرفتن هویت در وجود کودکان و نوجوانان به بحران هویت منجر می‌شود و آنان را شهروندانی بی‌مسئولیت و بی‌توجه به مصالح مملکت بار می‌آورد که عناصر مناسبی برای تحقق اهداف بیگانگان و ترویج و اشاعه فرهنگ‌های غیر خودی خواهند بود.

«اگر نظام آموزش‌وپرورش یک کشور نتواند



افراد را به هویت ملی‌شان پایبند کند، ممکن است با خطر از خودبیگانگی نسل جدید مواجه شده و دلبستگی آنان به هویت‌های بیگانه را سبب شود و در نتیجه، امنیت در سطح کلان و ملی دچار آسیب شود» (احمدی، ۱۳۸۲: ۱۲). پس، اگر باور داریم که از طریق انتقال فرهنگ خودی، نظام باورمندی‌های یک فرد شکل می‌پذیرد و همین امر به کسب هویت ملی منجر می‌گردد، باید «تکرش آموزش و پرورش به برنامه‌های درسی و فعالیت‌های کلاس و مدرسه در آموزش عمومی، تغییر یابد و افزون بر آموزش‌های درسی، تحکیم هویت نظام ارزشی انسانی و دینی و ملی، آموزش شهروندی و مهارت‌ها، سازندگی فردی و اجتماعی و اقتصادی و علمی و فرهنگی را محور برنامه‌های آموزشی و تربیتی قرار دهد» (لطف‌آبادی، ۱۳۸۵: ۱۲). بر این اساس، می‌توان گفت برنامه‌های درسی مبتنی بر شاخصه‌های فرهنگی، در آشنا کردن کودکان و نوجوانان ما با آداب و رسوم، اهمیت یگانگی زبان و تقویت روحیه میهن دوستی و ایجاد وحدت و همدلی نقش بسیار سازنده‌ای دارد. حضور الگویی مناسب، متشکل از باورهای ارزشمند، مبتنی بر خرد و فرهنگ ریشه‌دار ملی، می‌تواند در پذیرش هنجارهای اجتماعی و قوانین زیست‌محیطی، به کودکان یاری رساند، اما باید دید که از کی و چگونه می‌توان کودک را با مسائل ملی-میهنی آشنا کرد و از این طریق، او را مهیای پذیرفتن نقش اجتماعی و فرهنگی‌اش نمود.

گفته می‌شود «کسب هویت ملی، آخرین مرحله کسب هویت است» (شیخ‌وندی، ۱۳۸۰: ۱۲۲) اما بدیهی است آغاز این روند از دوران خردسالی، شکل می‌پذیرد و نهادینه‌تر می‌شود. «مهم‌ترین عناصر و نمادهایی که سبب شناسایی و تمایز افراد با هویت‌های ملی گوناگون از یکدیگر می‌شوند عبارت‌اند از: سرزمین، دین و آیین، آداب و مناسک، تاریخ، زبان و ادبیات، مردم و دولت. به این ترتیب، هویت ملی و فرهنگی ما ایرانیان، با توجه به تاریخ و فرهنگ دیرپای ایران، دربرگیرنده جوانب گوناگون و مهمی مانند باورهای مینوی، احساس ایرانی بودن، تعلق خاطر به تاریخ و تمدن، فرهنگ، اخلاق و سنن ملی، زبان و ادبیات، هنرهای ملی، تعهد در حفاظت از سرزمین آبا و اجدادی، استقلال‌طلبی و اقتدار ملی و کوشش برای رشد، پیشرفت و آبادانی کشور است. هویت ملی عالی‌ترین سطح هویتی هر فرد بشری است

از میان
روش‌ها و
فعالیت‌هایی
که می‌توان
به کمک
آنها کودک
را با هویت
ملی، فرهنگ
بومی و
قوانین
اجتماعی
آشنا نمود،
قصه‌گویی
است

و معمولاً از ویژگی منحصر به فردی برخوردار است. این نوع رابطه هویتی که برخی آن را هویت محوری نیز نامیده‌اند، به لحاظ سلسله مراتبی برتر از سایر سطوح هویتی قرار می‌گیرد. هویت ملی از تعلق فرد به یک سرزمین و دولت ملی و یا به عبارتی، به کشور خاصی سرچشمه می‌گیرد، و معمولاً افراد دارای بیش از یک هویت ملی نیستند» (احمدی، ۱۳۸۲: ۹).

«هویت ملی یا هویت جامعه‌ای، بالاترین سطح هویت جمعی در هر کشوری محسوب می‌شود» (عبداللهی، ۱۳۷۵: ۱۴۲) که فرد آن را در فرایند جامعه‌پذیری از طریق خانواده، مدرسه و رسانه کسب می‌کند. هویت ملی در میان افراد یک جامعه ایجاد وحدت و یکپارچگی می‌کند و افراد کنش‌های اجتماعی خویش را به صورت بخشی از کل هویتشان در رابطه با جامعه‌ای که به آن تعلق دارند یا احساس تعلق می‌کنند، بروز می‌دهند. هویت جمعی به معنای احساس همبستگی عاطفی با اجتماع بزرگ ملی و وفاداری نسبت به آن است. پس، به طور قطع می‌توانیم از دوران پیش از دبستان، کودک را با مشاهیر، ادبیات، فرهنگ شفاهی و آداب و رسوم ملی آشنا کنیم؛ به شرط آنکه ابزار لازم برای این آشنایی را در اختیار داشته باشیم.

از میان روش‌ها و فعالیت‌هایی که می‌توان به کمک آنها کودک را با هویت ملی، فرهنگ بومی و قوانین اجتماعی آشنا نمود، قصه‌گویی است. بی‌شک، قصه‌گویی کارآمدترین گفت‌اثری است که می‌تواند به انتقال مفاهیم، از هر دست و هر شکلی، مدد برساند. قصه‌گویی گذشته از تأثیر بسیار ارزشمندی که بر پرورش خلاقیت کودک دارد، سبب تقویت هوش هیجانی می‌شود و به شخص کمک می‌کند که در آینده، بهتر بتواند احساسات و هیجانات خود و دیگران را کنترل کند و از توانمندی خویش در این زمینه برای هدایت و راهبرد مناسب فرایند تفکر و خلق شیوه‌های مناسب رفتاری، بهره ببرد. کافی است مریبان ما به شگرد بازآفرینی و نوشتن خلاق، مجهز باشند و زبان مناسب این انتقال را بدانند. از طریق قصه‌گویی می‌توان بیشتر مفاهیم درسی و آموزشی را به کودکان آموخت اما از آنجایی که به رغم تحولات بسیار اساسی و مثبت کتاب‌های درسی هنوز آموزش و پرورش رسمی ما در مدارس، همچنان به شیوه‌های سنتی وفادار مانده است؛ در گام نخست، مراکز پیش‌دبستانی به دلیل نظام آموزشی نیمه رسمی خود می‌توانند از روش قصه‌گویی برای تقویت درک و فهم و یادگیری بهتر کودکان در همه زمینه‌ها، به ویژه فرایند فرهنگ‌پذیری و اجتماعی شدن کودکان، بهره کافی ببرند.

ارزش و اهمیت قصه‌ها

«قصه که آبشخور آن ادبیات شفاهی هر قوم و ملتی است، با انسان زاده شد و از هنگامی که وی به گفت درآمد و توانست تصاویر ذهنی خویش را که بر پایه باورمندی‌هایش شکل گرفته و قوام یافته بودند، بر زبان راند، قصه به وجود آمد و بدین ترتیب، پلی مستحکم بین جهان درون و بیرون انسان برقرار گردید. وی اندیشه‌ها، تخیلات، ترس‌ها و عقده‌هایش را در قالب کلام، و کلامش را در قالب افسانه‌های افسونگر گنجانده» (بیدمشکی، ۱۳۹۱: ۱۶).

«قصه‌ها، بینش‌های عمیقی را که در دوران دراز و پر فراز و نشیب هستی انسان، او را پابرجا نگاه داشته، گرد آورده‌اند» (بتلهایم، ۱۳۸۱: ۳۱/۳۰).

«قصه‌های شرقی، به‌ویژه قصه‌های ایرانی همراه پیام‌های جهت‌گیر و عقیده‌مندشان، از ارزش بسزا و فرازمندی برخوردارند» (بیدمشکی، ۱۳۸۵: ۱۶).

- در باب ریخت‌شناسی و ارزش و اهمیت قصه‌ها در فرایند آموزش غیرمستقیم به‌طور خلاصه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- در بسیاری از قصه‌های دنیا، به‌ویژه قصه‌های ایرانی، نبرد نیکی و بدی و خیر و شر وجود دارد. پس کودک با شنیدن این قصه‌ها، برای جدال و چالش همیشگی خوبی و بدی در دنیای بیرون آماده می‌شود.

- در بسیاری از قصه‌ها، خیر بر شر پیروز می‌شود؛ حتی اگر قدرت و ثروت کمتری داشته باشد. از این روی، کودک می‌آموزد که آنچه مایهٔ نیکبختی و بسامانی زندگی او می‌شود، کنش نیک، نیک‌اندیشی و نیک‌گفتاری است.

- در بسیاری از قصه‌ها، فرجام زشتی و پلیدی در انتهای قصه نمایانده می‌شود و به این ترتیب، کودک مفهوم داد و عدالت را می‌آموزد.

- قصه پاسخی است به کنجکاوی انسان، و کنجکاوی یکی از ابعاد فطرت انسانی است، بنابراین، قصه با فطرت پرسشگر انسانی پیوند می‌خورد. اینکه «چه می‌شود»، «چرا چنین می‌شود» پرسش‌هایی هستند که داستان و قصه در ذهن و روح انسان برمی‌انگیزانند و او را به شنیدن و تعقیب قصه، ترغیب می‌کنند.

- قصه‌ها پاسخی به نیاز انسان به «آرامش» نیز هستند. اینکه قصه از دیرباز تاکنون با لحظه‌های خواب، پیوند داشته به همین دلیل است. آرزوها و آرمان‌ها نیز عمدتاً در داستان‌ها تحقق یافته‌اند.

- قصه آینه‌ای است که شنونده یا خواننده خود را در آن می‌یابد. انطباق، الگوبرداری، همسان‌سازی و گاه بازگو کردن در تنهایی یا نمایش قصه توسط کودکان، نشان‌دهندهٔ همین ویژگی است. انسان همواره در جست‌وجوی آینه‌هایی است که خود را در آن‌ها نظاره کند و قصه، پاسخی است به این نیاز و عطش انسانی.

- قصه در مسیری هم‌ساز با تفکرات و تجربه‌های کودک از جهان، پیش می‌رود؛ از همین روست که کودک این قصه‌ها را باور می‌کند. کودک از قصهٔ پریان آرامش بیشتری کسب می‌کند تا از استدلال‌های بزرگ‌سالان، که می‌کوشند براساس دیدگاه‌های خود به او آرامش دهند. کودک به آنچه قصهٔ پریان می‌گوید، اعتماد می‌کند؛ زیرا دید قصه با دید او همساز است (بتلهایم، ۱۳۸۱: ۵۶).

کمک به کودک برای درک رمز و رازهای زندگی و القای مفاهیم تربیتی، اخلاقی و آموزشی از دیگر کارکردهای قصه‌گویی و قصه‌پردازی است. قصه‌ها همواره در جریان آموزشی ملت‌ها، تأثیری ممتاز داشته‌اند.

- قصه خاستگاه آمال و آرزوهای بشری است که در آن خود را با عناصر و پدیده‌های طبیعی موجود در قصه، یکسان می‌بیند. قصه بهترین «گفت‌اِزاری» است که انسان می‌تواند از طریق آن، انرژی‌های متضاد و ستیزه‌جوی خویش را برون فکن کند، درون خویش را به آهنگی دلاویز و تعادلی سزاور برساند و به راه‌حل‌های مناسبی برای مشکلات درونی و موقعیت‌های دشوار زندگی‌اش دست یابد. از این روی، می‌توان گفت که قصه‌ها گاه پاسخی به ناکامی‌های انسان هستند. قهرمانان قصه‌های کهن مانند انسان‌های فقیر، کچل و ... گواه این ویژگی است.

- بسیاری از قصه‌ها و افسانه‌های ایرانی نمادین هستند و هر کدام از شخصیت‌های آن‌ها نمایندهٔ یک گروه یا یک طبقه اجتماعی‌اند یا آیین‌ها و باورمندی‌های یک قوم را بازتاب می‌دهند و در ورای ظاهر کودک پسندانه و بی‌منطق خود، راز و رمزهای فراوانی را پنهان کرده‌اند. به گفتهٔ بتلهایم «امروزه بسیاری از بزرگ‌سالان آنچه را در قصه‌های

پریان گفته می‌شود؛ به معنای واقعی کلمه می‌گیرند؛ در حالی که باید آن‌ها را ارائهٔ نمادین تجربه‌های مهم زندگی تلقی کنند» (بتلهایم، ۱۳۸۱: ۲۲۳).

جمال‌الدین بن شیخ، محقق عرب، پا را از این فراتر می‌گذارد و می‌گوید: «برخی قصه‌ها منطقی درونی دارند حاکم بر سراسر داستان، که داستان از آن تبعیت می‌کند؛ بدین معنی که آدم‌های قصه اشخاص واقعی نیستند بلکه معرف مقولات و مفاهیمی کلی از قبیل، ناکامی، پرخاشگری، هجران، وصال و جز آن می‌باشند» (ستاری، ۱۳۶۸: ۲۳۲).

گذشته از تمامی ویژگی‌های مثبت قصه‌ها، سه مؤلفهٔ منحصربه‌فرد وجود دارد که قصه را بر صدر همهٔ فعالیت‌های ویژهٔ کودکان می‌نشاند و آن اینکه وقتی کودک قصه می‌شنود، چون با قهرمان آن هم‌ذات‌پنداری می‌کند، در می‌یابد که در دنیای بیرون چالش‌هایی وجود دارد که فقط شامل حال او نمی‌شود بلکه دیگران نیز ممکن است با آن‌ها دست و پنجه نرم کنند. دو دیگر اینکه در جریان قصه، احساسات درونی کودک مانند غم، شادی، ترس، دلهره و ... درگیر ماجراها و پیشامدهای قصه می‌شود و پالایش می‌یابد و در مرحلهٔ سوم - که به نوعی عالی‌ترین فرایند و تأثیر قصه است - به خود شکوفایی و حل مسئله دست می‌یابد. داستان‌های تخیلی و فانتزی‌های قصه‌های پریان نیز از این قاعده مستثنی نیستند. به علاوه، این گونه قصه‌ها با فضای خیال‌انگیز و پرکششی که دارند، «برای تخیل کودک خوراک مناسبی محسوب می‌شوند و نباید در استفاده از آن‌ها به‌عنوان وسیلهٔ تربیتی بدین بهانه که رنگ خیالی دارند تردید کرد. به قول **موریس دوپس**، «اگر قرار است آنچه رنگ خیالی دارد، محکوم شود باید بازی‌های آزاد مانند عروسک‌بازی را که در آن خیال‌پردازی مقام مهمی دارد، مطرود دانست» (شکوهی، ۱۳۸۳: ۱۲۹).

کودک و شاهنامه

میراث فرهنگی هر قوم و ملتی، شناسنامهٔ حیات مادی و معنوی آن قوم به‌شمار می‌آید و شکل‌پذیری هویت در نهاد کودکان هر سرزمین، وابسته به آشنایی آن‌ها با هویت ملی و میراث فرهنگی کشورشان است و از آنجا که شاهنامهٔ حکیم خرد گرای توس، جدا از اینکه حماسه‌ای

جهانی محسوب می‌شود حافظه قومی ملت ایران نیز به‌شمار می‌آید، بایسته است بیش از هر اثر دیگری مورد عنایت مسئولان فرهنگی و نظام آموزشی ایران قرار گیرد.

«شاهنامه یادگار قرن چهارم، قرن اعتلای فکری و فرهنگی ایران، عصر خردگرایی و آزاداندیشی، عصر پرورش رازی و ابن‌سینا و بیرونی است. روزگاری که در آن اندیشیدن و خرد ورزیدن بر دل‌های فرهیختگان عصر حکومت می‌کرد. فرهنگ شاهنامه انعکاس فرهنگ ساسانی در آیین عصر سامانی است. جهان‌بینی روزگاری است که فرهنگ تابناک آن با سیاست محمود غزنوی به ضعف گرایید و با استیلای سلجوقیان به کلی از میان رفت.

شاهنامه به نام «خداوند جان و خرد» آغاز می‌شود. اینکه از صفات بیکران خداوندی، بر جان آفرینی و خردبخشی او تکیه می‌کند، می‌خواهد بگوید که مهم‌تر از هر چیزی جان است و زندگی، و زندگی باید با خردمندی توأم باشد. از اینجاست که در سراسر شاهنامه، عشق به زندگی و آسایش و نیکبختی افراد انسانی، و پرهیز از آزار دیگران و نفرت از جنگ و کشتار و خون‌ریزی و ویرانگری موضوع سخن است. زندگی انسان‌ها و اندیشه و رفتار آن‌ها هم باید بر پایه خرد باشد. و سرپیچی از حکم خرد، مایه تیره‌روزی است.» (ریاحی، ۱۳۹۱: ۷۱)

خرد چشم جان است چون بنگری

تو بی چشم، شادان جهان نسپری

نظام اندیشگی فردوسی که در سرتاسر شاهنامه آن را متجلی می‌بینیم، چنان با باورها و فرهنگ ایرانی گره خورده است که بازخوانی و توجه به آن‌ها می‌تواند هم‌بستگی ملی و اتحاد یکپارچه ملت ایران را پاسداری و حفاظت کند.

پیشنهاد

شاهنامه به‌عنوان یک اثر ارزشمند جهانی این شایستگی را دارد که در تمامی دوره‌های تعلیم و تربیت مورد استفاده قرار گیرد. نکته‌های تربیتی-اخلاقی شاهنامه در کنار ساختار حماسی و داستانی آن، می‌تواند بهترین نمونه و الگو برای قصه‌گویی باشد؛ کافی است زبان متناسب با سن کودک را پیدا کند. ما می‌توانیم قصه‌های شاهنامه را بازآفرینی کنیم و در کلاس درس به کار ببریم. حتی می‌توانیم آن‌ها را به‌عنوان یکی از پروژه‌های

دوره پیش‌دبستانی، به مواد آموزشی این دوره اضافه کنیم. بدیهی است توجه به این اثر گران‌مایه ضمن در برداشتن منافع تربیتی، اخلاقی و معنوی فراوان، از نظر مادی نیز می‌تواند سرزمین عزیزمان را بهره‌مند سازد. چرا که کودکان در هر جامعه‌ای، سرچشمه‌های اصلی تعلیم‌پذیری به‌شمار می‌آیند و شروع آموزه‌های تربیتی برای ایشان در هر زمینه‌ای، به‌ویژه زمینه‌های ملی-میهنی، می‌تواند بسیاری از هزینه‌های آتی را به حداقل برساند. نیز با جذاب‌سازی متن غنی و پرباری چون شاهنامه و قهرمانان آن، می‌توان ضمن کاستن از واردات اسطوره‌های غربی-علیرغم آنکه بسیاری از آن‌ها الگوبرداری شده از اسطوره‌های ایرانی هستند- نگاه کودکان و والدین ایشان را متوجه شخصیت‌ها و الگوهای ایرانی نمود. با توجه به آنچه گذشت، فراهم آوردن بسترهای مناسب برای آشنایی کودکان و نوجوانانمان با شاهنامه گذشته از آنکه می‌تواند هویت ایرانی را در وجودشان نهادینه کند، آن‌ها را به سرچشمه‌های حکمت اسلامی و ارزش‌های اخلاقی و کمال انسانی نیز پیوند می‌زند و به این ترتیب، قدرت پذیرش قوانین و مقررات اجتماعی و جامعه‌پذیری در آنان افزایش می‌یابد.

منابع

۱. احمدی، حمید. (۱۳۸۲). *هویت ملی ایران، بنیادها و چالش‌ها و بایسته‌ها*، نامه پژوهشی فرهنگی، شماره ششم، تلبستان.
۲. بتلهایم، برونو. (۱۳۸۱). *افسون افسانه‌ها*، ترجمه اختر شریعت‌زاده، تهران: هرمس.
۳. بیدمشکی، مریم. (۱۳۸۵). *نقش قصه و تأثیرات تربیتی آن بر کودکان*، مجموعه مقالات برگزیده قصه‌گویی، دهمین جشنواره قصه‌گویی کشور، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
۴. ———. (۱۳۹۱). *رمزپردازی و نشانه‌شناسی افسانه‌های هفت‌پیکر*، مشهد: سخن گستر.
۵. ریاحی، محمدامین. (۱۳۸۸). *فردوسی زندگی، اندیشه و شعر او*، چاپ چهارم، تهران: طرح نو.
۶. ستاری، جلال. (۱۳۶۸). *افسون شهرزاد*، تهران: توس.
۷. شکوهی، غلامحسین. (۱۳۸۳). *تعلیم و تربیت و مراحل آن*، چاپ نوزدهم، به نشر: مشهد.
۸. شیخاوندی، داوود. (۱۳۸۰). *تأخیر در تکون هویت ایرانی در جریان تجدد*، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، ویژه‌نامه.
۹. عبداللهی، محمد. (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی بحران هویت*، نامه پژوهش، شماره ۲ و ۳، پاییز و زمستان.
۱۰. لطف‌آبادی، حسین. (۱۳۸۵). *آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش‌آموزان*، فصل نامه نوآوری‌های آموزشی، سال پنجم، شماره ۱۷.

